

تحلیلی بر حکم شورای امنیت در خصوص یوسف مصطفی نادا و بانک التقوی ونقض آن از سوی دیوان دادگستری اروپا و دادگاه اروپایی

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 – 1477

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN
GOOGLESCHOLAR.ENSANI
www.jaml.ir

سال ۱۴۰۳، سال پنجم، شماره ۲۱،
صفحات ۱-۱۵

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه پیام نور واحد تهران، ایران، مدرس دانشگاه، وکیل
دادگستری ایمیل: kaveh.rezaii2020@gmail.com کد ارکید: 000900067084690

کاوه رضایی (نویسنده
مسئول)

استادیار، گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران ایران jilwaan@gmail.com

سید نجم الدین قریشی

دانشجوی دکتری حقوق، گروه حقوق، گرایش حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه پیام نور تهران، ایران.

علی نیکجو

چکیده

در نظام حقوق بین الملل در سطح منطقه ای در مواردی شاهد شکل گیری نظام نظارتی بر عملکرد شورای امنیت می باشیم. نمونه های بسیار بارز و جدید در این خصوص پرونده مربوط به رأی نادا و بانک التقوی می باشد که در سال ۲۰۱۲ صادر شد را می توان عنوان کرد، که این پرونده مورد رسیدگی قضایی توسط نهادهای منطقه ای چون دیوان دادگستری اروپا و دادگاه اروپایی حقوق بشر قرار گرفته اند سوالی که در این مقاله مورد توجه است این است که غیر از پرونده یوسف مصطفی نادا سابقه داشته است که دیوان دادگستری اروپا و دادگاه اروپایی حقوق بشر رأی مخالف شورای امنیت صادر نماید؟ بنظر می رسد که این پرونده از جمله پرونده های نادری می باشد که در شورای اروپا مورد رسیدگی قرار گرفته باشد هرچند که در گذشته نیز یکبار دیگر در قضیه کادی موسسه البرکات نیز یکبار دیگر شورای اروپا ورود پیدا کرد. هدف تحقیق حاضر بررسی موضوع مهم نظارت قضایی از دو بعد و در دو سطح بین المللی و منطقه ای و در دو بخش که بخش اول تحت عنوان نظارت حقوقی بر تصمیمات شورای امنیت در چهارچوب نظام حقوقی بین المللی و منطقه ای با تقسیم بندی بر دو فصل با عنوان: نظارت قضایی دیوان بر قطعنامه های شورای امنیت و نظارت قضایی محاکم منطقه ای بر قطعنامه های شورای امنیت و بخش دوم تحت عنوان رویه قضایی محاکم اروپایی در خصوص رای نادا را مورد ارزیابی و بررسی قرار می دهد. نتیجه ای که می توان در این مقاله به آن دست یافت این است که وقتی که شورای اروپا در خصوص پرونده یوسف مصطفی نادا ورود پیدا کرده و در سطح منطقه ای رای شورای امنیت را بی اثر و ملغی نموده است بنابراین در موارد مشابه می توان با ظرفیت بخشی به محاکم منطقه ای شاهد اجرای عدالت و دادرسی عادلانه در سطه منطقه و جهانی باشیم.

شورای امنیت- یوسف مصطفی نادا - بانک التقوی - دیوان دادگستری اروپا و دادگاه اروپایی

واژگان کلیدی: حقوق بشر.

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2025 ,fifth year, Issue 21

Pages 1-15

An analysis of the Security Council ruling regarding Yousef Mustafa Nada and Al-Taqwa Bank and its annulment by the European Court of Justice and the European Court of Justice

Kaveh Rezaei (Author)

PhD Student in Public International Law, Payam Noor University, Tehran Branch, Iran, University Lecturer, Attorney at Law Email: kaveh.rezaei2020@gmail.com Orchid Code: 000900067084690

Seyeh Najmuddin

Assistant Professor, Department of Law and Political Science, Payam Noor University, Tehran, Iran jilwaan@gmail.com

Qureshi

Ali Nikjoo

PhD student in Law, Department of Law, Public International Law, Payam Noor University, Tehran, Iran.

Abstract

In the international legal system at the regional level, we witness the formation of a monitoring system for the functioning of the Security Council. A very clear and recent example in this regard is the case of the NADA and Al-Taqwa ruling, which was issued in 2012. This case has been subject to judicial review by regional institutions such as the European Court of Justice and the European Court of Human Rights. The question that is of interest in this article is whether, apart from the Yusuf Mustafa NADA case, there has been a precedent for the European Court of Justice and the European Court of Human Rights to issue a ruling against the Security Council? It seems that this case is one of the rare cases that has been reviewed by the Council of Europe, although in the past, the Council of Europe was involved once again in the case of the Kadi Al-Barakat Institute. The purpose of this study is to examine the important issue of judicial oversight from two dimensions, at the international and regional levels, and in two parts. The first part is titled legal oversight of Security Council decisions within the framework of the international and regional legal system, divided into two chapters: Judicial oversight of the Court over Security Council resolutions and judicial oversight of regional courts over Security Council resolutions. The second part, titled judicial procedure of European courts, evaluates and examines the NADA decision. The conclusion that can be reached in this article is that when the Council of Europe intervened in the case of Yousef Mustafa NADA and rendered the Security Council decision ineffective and nullified at the regional level, in similar cases we can witness the implementation of justice and fair trial in the regional and global context by giving capacity to regional courts.

Keywords: Security Council - Youssef Mustafa Nada - Al-Taqwa Bank - European Court of Justice and European Court of Human Rights.

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

حکم یوسف مصطفی نادا در دیوان دادگستری اروپا انتقادات شدیدی را برانگیخته است. این رویکرد دوگانه‌گرایانه دیوان به‌عنوان وفاداری، به وفاداری سنتی آن به حقوق بین‌الملل عمومی و گنجاندن خود در سنت ملی‌گرایی توصیف شد. که تا کنون که در سال ۲۰۲۵ هستیم چنین حکمی از سوی شورای اروپا صادر نشده بود البته قبل آن نیز در خصوص کادی و موسسه البرکات نیز شورای اروپا ورود پیدا کرده بود. با این حال، ما استدلال می‌کنیم که دادگاه گشایش احتمالی را برای اجازه دادن به اولویت اقدامات شورای امنیت نشان داد، اگر تدابیر کافی برای حقوق بشر ایجاد شود. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که امنیت شورا با معرفی یک مکانیسم بازنگری قوی از پس این چالش برآمده است. اگرچه این این سازوکار نمی‌تواند تمام تعارضات احتمالی بین قوانین اتحادیه اروپا و سازمان ملل را حذف کند، می‌تواند به طور قابل توجهی کاهش خطر تصمیم‌گیری‌های متفاوت را تعدیل نماید.^۱

۱. آثار ورود شورای اروپایی حقوق بشر نسبت به رای یوسف مصطفی نادا

علاوه بر دیوان دادگستری اروپا دادگاه اروپایی حقوق بشر در سال ۲۰۱۲ با صدور رای در خصوص "نادا" علیه سوئیس به همان رویکرد و رویه دیوان دادگستری روی آورده و با ورود به مفاد قطعنامه شورای امنیت به تفسیر و مطابقت آن با قواعد

بنیادین بشر پرداخته و تصمیم شورا را ناقض حقوق بشر از جمله حق بر رفت و آمد آزاد و حق استماع دعوی در محاکم ذی صلاح قضایی دانسته و به تفسیر و مطابقت آن با قواعد بنیادین بشر پرداخته و النهایه رأی به لغو تصمیم شورا در این خصوص داده است. صدور رأی نادا به دنبال قضیه کادی در دیوان دادگستری اروپا نشان از آن دارد که محاکم قضایی اروپا در عزم خود بر صیانت از حقوق بشر به عنوان والاترین ارزش انسانی و همچنین صیانت حاکمیت قواعد آمره در حقوق بین الملل به طور عام و نظم حقوقی حاکم بر حقوق اتحادیه به طور خاص راسخ هستند و در صورت احراز صلاحیت فارغ از هرگونه اعمال سلیقه سیاسی به استماع دعاوی از این دست خواهند پرداخت حتی اگر لازمه رسیدگی ورود به مفاد و فحوائی قطعنامه های شورای امنیت باشد.

در رأی نادا به دنبال قضیه کادی در دیوان دادگستری اروپا نشان از آن دارد که محاکم قضایی اروپا در عزم خود بر صیانت از حقوق بشر به عنوان والاترین ارزش انسانی و همچنین صیانت حاکمیت قواعد آمره در حقوق بین الملل به طور عام و نظم حقوقی حاکم بر حقوق اتحادیه به طور خاص راسخ هستند و در صورت احراز صلاحیت فارغ از هرگونه اعمال سلیقه سیاسی به استماع دعاوی از این دست خواهند پرداخت حتی اگر لازمه رسیدگی ورود به مفاد و فحوائی قطعنامه های شورای امنیت باشد.^۲

^۲ - موسوی، سید فاضل الله، نظارت قضایی محاکم بین المللی بر شورای امنیت سازمان ملل متحد، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۵۴، ۱۳۹۵، صفحه ۹۰-۵۹.

^۱ - The Kadi Case – Constitutional Core Values and International Law – Finding the Balance?, The European Journal of International Law Vol. 23 no. 4EJIL (2012), Vol. 23 No. 4, The Author, 2012. Published by Oxford University Press on behalf of EJIL Ltd.p.1015-1024.

اهمیت بررسی این موضوع دو چندان شده و برای اولین بار میتوان شاهد چگونگی حل و فصل تناقضات و حل و فصل آنها بود. با عطف با موارد فوق الذکر بدون تردید ضرورت انجام پژوهش آکادمیک و درخور به وضوح احساس شده و اهمیت آن هم بر اهل نظر در عرصه ی مباحثات و مجادلات حقوقی پوشیده نیست مضاف بر این صدور رای یوسف مصطفی نادا در سال ۲۰۱۲ حاکی از شروع آهسته ولی پیوسته در فرآیند نظارت قضایی بر تصمیمات شورای امنیت دارد که البته نه مشروعیت تصمیمات بلکه تفسیر و تایید صحت و مطابقت مفاد و فحوای این تصمیمات با موازین بین المللی حقوق بشر و قواعد آمده مدنظر این محاکم در سطح منطقه ای در اروپا بوده است که به هر تقدیر کلید خوردن چنین روندی در حقوق بین الملل از اهمیت شایانی برخوردار است که باید به طور دقیق مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد.

۲. صلاحیت دیوان دادگستری اروپا در قضیه ی یوسف مصطفی نادا

دیوان دادگستری اروپا و دادگاه اروپایی حقوق بشر در قضیه ی یوسف مصطفی نادا، صلاحیت رسیدگی و تحلیل کدام دسته از قواعد مندرج در قطعنامه های شورای امنیت را دارا هستند؟

دیوان دادگستری اروپا و دادگاه اروپایی حقوق بشر در قضیه ی یوسف مصطفی نادا بدون ورود به بحث مشروعیت تصمیمات شورای امنیت، تخطی از قواعد آمره و حقوق بشر

رویکرد حقوق بین الملل عام که برگرفته از مفهوم کلاسیک اصل حاکمیت دولتها بود پس از پایان جنگ جهانی دوم و با ظهور نهادهای خود حاکمیتی جدید به شکل تعدیل شده ای ادامه حیات داد عملکرد سازمان ملل متحد به ویژه رکن سیاسی امنیتی آن اصل حاکمیت دولتها را به نفع نهادهای جامعه بین المللی تغییر داد. تحول فوق الذکر در دهه های گذشته سبب ورود اراده فراحاکمیتی سازمان ملل متحد و به ویژه شورای امنیت به مدیریت جهانی و بازمهندسی نظام بین المللی گردید.^۱ اکنون این سوال مطرح می گردد که دامنه اختیارات شورای امنیت در ورود بر تحریم کلاسیک حاکمیت دولتها و همچنین به حوزه قواعد عام و آمره حقوق بشری تا به کجاست و کدام رکن صلاحیتدار بین المللی قادر به نظارت، کنترل و احتمال توقف برخی از اقدامات شورای امنیت می باشند؟ بررسی امکان نظارت قضایی بر تصمیمات شورای امنیت علیرغم اینکه از نظر مباحث نظری و تئوریک شاید تا حدی کلاسیک و مسبوق به سابقه باشد، اما ظهور این امکان در عرصه ی عمل و در چهارچوب رویه قضایی دیوان دادگستری اروپا و دادگاه اروپایی حقوق بشر پدیده ای نوظهور و جدیدی است که با ورود ماهوی به موضوع نه تنها به مبانی و مبادی تئوریک و دکتری بحث مزبور جامعه ی عمل پوشانده بلکه ابعاد و جوانب حقوقی و فنی مختلف موضوع را از یک طرف تبیین کرده و از سوی دیگر موجب بروز و ظهور چالشهای جدید میان دو نظم حقوقی خاص و عام گردیده است که با تحلیل مفاد رای یوسف مصطفی نادا

^۱ فرخ سیری، منصور، محدودیت های حقوقی شورای امنیت در اعمال تحریم های اقتصادی، منبع: حقوقی بین المللی، شماره ۳۹، ۱۳۸۷، ۵۸-۲۹.

وی خودش را به عنوان یک مسلمان مقید و تاجر معرفی می نماید که در سطح جهانی از نظر سیاسی و مالی دارای شهرت و اعتبار بوده است و سهامدار شرکت‌هایی است که به صورت پراکنده در نقاط مختلفی مشغول به فعالیت هستند. یوسف مصطفی نادا طی ارائه یک اظهارنامه مخالفت خود را با تمامی گروه‌های تروریستی اعلام نموده و هرگونه مشارکت در فعالیتهای تروریستی را با گروه‌هایی چون القاعده انکار نموده است و کرارا براین امر تاکید می نماید. نادا همچنین در وضعیت جسمانی خوبی به سر نمی برد، وی فاقد یک کلیه بوده و از این بیماری به شدت رنج میبرد و گواهی پزشکی نیز در این زمینه داشته است که در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۱ از جانب پزشکی وی مورد تایید قرار گرفته است دال بر این قضیه است در ۱۵ اکتبر ۱۹۹۹ شورای امنیت با اقتباس از فصل هفتم منشور ملل متحد به علت حادثه ی بمب گذاری که در ۷ آگوست ۱۹۹۸ توسط اسامه بن لادن و گروهش علیه سفارت آمریکا در نایروبی (کنیا) و گروه دارالاسالم اتفاق افتاد مجازاتی را علیه طالبان مقرر نموده است.

به موجب این قطعنامه ۱۲۶۷ سال ۱۸۹۹ کمیته ای تحت عنوان کمیته مجازاتهای تاسیس شده است که اعضای آن متشکل از تمامی اعضای شورای امنیت بوده و نظارت بر این

مصرح در منشور حقوق بین الملل بشر و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر توسط شورای امنیت را مورد رسیدگی و نظارت قرار داده و اقدام به لغو آنها نمودند.

از آن جایی که شورای اتحادیه اروپا با اقتباس از قطعنامه های شورای امنیت اقدام به صدور رای در راستای این قطعنامه ها می نماید و با توجه به اینکه این قطعنامه های شورای امنیت براساس اختیارات گسترده ای که براساس فصل ۶ و ۷ منشور برای آن تعریف شده است، امکان و احتمال تخطی از اصول منشور همچون اصولی چون قواعد آمره و حقوق بنیادین را به دنبال دارند حال این آیین نامه ها نیز قابلیت اجرا در جامعه اتحادیه اروپا را دارا هستند و ارتباط مستقیمی با حقوق بنیادین بشر در این جامعه دارند بایستی این آیین نامه ها با اصول اتحادیه اروپا و اصل کنوانسیون اروپایی حقوق بشر منطبق باشند در غیر این صورت همان گونه که شاهد هستیم با واکنش محاکم در سطح منطقه ای اروپا مواجه خواهیم بود. که این امر در قضیه یوسف مصطفی نادا مورد توجه بوده و اصل حقوق بنیادین بشر همواره به عنوان اصل برتر مورد توجه قرار گرفته است. حتی بدون تعارض و میانیت با اصل ۱۰۳ منشور ملل متحد می باشد. در این راستا قطعنامه های شورای امنیت تا بدانجا بر جامعه اتحادیه اروپا حاکم است که مغایر با اصول حقوق بنیادین بشری نباشد.

۴. شرحی بر زندگینامه ی یوسف مصطفی نادا و حکم شورای امنیت بر علیه وی

خواهان یعنی آقای یوسف مصطفی نادا در سال ۱۹۳۱ متولد شده از سال ۱۹۷۰ در بخشی از ایتالیا به نام کامپونه که توسط کانتون کشور سوئیس احاطه گردیده است و از کشور ایتالیا توسط دریاچه لوگادو مجزا گشته است زندگی می کند.

مجازاتهای اضافه شده و همزمان با آن شورای فدرال سوئیس نیز اسم خواهان و موسسات وابسته به وی را به لیست حکم طالبان اضافه می نماید. علاوه بر آن نیز شورای فدرال با اصلاح و بازنگری که در حکم مربوط به طالبان می نماید هر نوع ورود و خروج را که توسط خواهان و موسسات وابسته به وی صورت پذیرد ممنوع اعلام نموده و نادا هم یکی از این افراد بوده است که مورد ممنوعیت قرار گرفته است. در سال ۲۰۰۲ زمانی که نادا وارد لندن شد وی توسط مقامات تعقیب کننده و دستگیر شده و اموال و داراییش ضبط گردیده و به ایتالیا فرستاده می شود و از زمان دستگیری وی حکم به ممنوعیت ورود و خروج نیز در موردش ایشان اعمال میگردد. به دنبال این قضیه اداره فدرال سوئیس جهت انجام امور مهاجرتی به اسم سازمان ITMES اعلام نمود که خواهان مدت زمان طولانی حق ورود و خروج به خارج از شهرش را ندارد بعد از این اعلامیه خواهان درخواستی را به سازمان جهت ترک محل زندگیش و رفت به کشور سوئیس به منظور درمان و امور پزشکی و انجام دادن یک سری کارهای حقوقی تسلیم نمود که در نهایت با مخالفت این سازمان روبرو گشت.

۵. روند اثبات بی گناهی یوسف مصطفی توسط دادگاه اروپا

دادگاه جنایی فدرال به مقامات فدرال امر نمود تا این فرایند در خصوص خواهان قطع گردیده و پرونده مورد نظر به مقامات فدرال صالح جهت رسیدگی به این امر ارجاع گردد و در آنجا توسط قضات مورد بررسی قرار گیرد. به دنبال این دستور مقامات فدرال اثبات نمودند که اتهامات علیه خواهان اثبات

قطعنامه ها راب عهده داشتند.^۱ بعد از صدور این قطعنامه در ۲ اکتبر ۲۰۰۲ در جهت اجرایی نمودن این قطعنامه شورای فدرال سوئیس اقداماتی را علیه طالبان تحت عنوان حکم مربوط به طالبان اتخاذ کرده و در این حکم طالبان را به عنوان گروه تروریستی معرفی می نماید به دنبال آن شورای امنیت در سال ۲۰۰۲ قطعنامه ای را به شماره ۱۳۳۳ صادر نمود که در آن رژیم مجازاتهای مقرر شده به موجب قطعنامه ۱۹۹۹ را بسط و گسترش داده و از همه مهمتر این مجازاتها را به صورت مستقیم متوجه اسامه بن لادن و سازمان القاعده و مقامات عالی رتبه طالبان نموده است حال هم در قطعنامه ۱۳۳۳ و هم در قطعنامه ۱۲۶۷ شورای امنیت از کمیته مجازاتهای درخواست نمود تا اسامی افراد و موسسات وابسته به اسامه بن لادن و گروه القاعده را به لیست تحریم شدگان منضم نماید. در تاریخ ۱۱ آوریل ۲۰۰۱ دولت سوئیس حکم مربوط به طالبان را که در راستای اجرایی ساخت قطعنامه های ۱۲۶۷ سال ۱۹۹۹ به تصویب رسانده بود مورد اصلاح و بازنگری قرار داد و به موجب قطعنامه صادر شده ۱۳۳۳ سال ۲۰۰۰ که دامنه رژیم مجازاتهای را گسترش داده بود و اسامی افراد تروریستی را به لیست تحریم کنندگان اضافه نموده بود، مطابق این حکم نیز شورای فدرال هر نوع ورود و خروج و رفت و آمد را برای افراد و موسسات وابسته به این گروهکهای تروریستی را ممنوع اعلام نمود. در تاریخ ۷ نوامبر ۲۰۰۱ رئیس جمهور آمریکا اموال و دارایی های بانک التقوی را که سهامدار آن را نادا تشکیل می داد مسدود و بلوکه نمود اسم خواهان و شماری از سازمانها وابسته به وی به لیست کمیته

¹ - CHAMBER, GRAND, Case of NADA V.S WITZERLAND (Application no. 105, 3/08), p3-8

از آن است که اسم وی نیز از لیست حکم مورد به طالبان نیز حذف خواهد گردید. خواهان مکررا نیز از ارگان دیگر دولت سوئیس خواهان این امر گردید، اما باز هم به دلیل اینکه اول اسم وی باید از لیست کمیته مجازاتها حذف گردد با مخالفت مواجه می گردید خواهان از جانب دولت سوئیس به دلیل اینکه شهروند کشور مقیم وی محسوب می گشت نتوانست اقدام به حذف اسم خود از لیست کمیته مجازاتها نماید. به همین دلیل وی درخواست خود را به قسمتی به نام فوکال پونیت فرستاده که این نهاد توسط قطعنامه ی (۲۰۰۲) ۱۳۳۰ به وجود آمده و وظیفه آن دریافت درخواستها جهت حذف نام افراد و موسساتی است که اسامی آنها در لیست کمیته مجازاتها نماید و فوکال پونیت هم علت رد درخواست خواهان جهت حذف را، مخالفت یکی از کشورها دانسته است که به نوبه ی خود امری سری است.

حال شورای فدرال پرونده را به دادگاه فدرال که یک دادگاه بی طرف و مستقل است ارجاع داده است تا اینکه خواهان را که مورد محدودیتهایی چون ممنوعیت ورود و خروج و ممنوعیت حق بر دسترسی آزاد بر اموال قرار گرفته و این حقوق خود از جمله حقوقی است که توسط کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مورد احترام قرار گرفته است مورد رسیدگی قرار بدهد. خواهان در نزد دادگاه اظهار داشت که وی قادر به ترک محل زندگیش نبوده است حتی برای انجام کارهای حقوقی و پزشکی و سال های گذشته را در حبس خانگی به سر برده است و قید نمودن اسم وی در لیست حکم

نشده است و بررسی های لازم در خصوص خواهان بسته اعلام می گردد و خواهان نیز به موجب تحقیقاتی که مقامات فدرال در خصوص وی انجام داده بودند استدلال نمود که مقامات فدرال وی را از هر گونه اتهامی مبری دانسته و به این ترتیب اعتقاد داشتند که یوسف مصطفی نادا مستحق این مجازاتها نمی باشد و از شورای فدرال درخواست نمود که اسامی وی و سازمانهای وابسته به وی را در لیست حکم طالبان حذف نموده و در نتیجه به موجب این اقدام مجازاتهای مقرر شده علیه وی نیز لغو گردد. البته لازم به ذکر است که در مورد آقای یوسف مصطفی نادا اختلاف در ابتدا در برابر دادگاه های داخلی سوئیس، با توجه به این واقعیت که سوئیس عضوی از اتحادیه اروپا و رژیم تحریم های القاعده را به طور مستقل اجرا کرد. پس از یک یافته توسط دادگاه فدرال سوئیس (بالاترین دادگاه در کشور) که قطعنامه ۱۲۶۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد (۱۹۹۹) به طور موثر حق آقای نادا برای دادرسی عادلانه را به حالت تعلیق درآورد، و او شکایتی را در دادگاه حقوق بشر در استراسبورگ آغاز کرد.^۱

مقامات دولتی جهت امور اقتصادی (SECO) درخواست خواهان را مبنی بر حذف نام وی از لیست مجازاتها رد نموده و استدلال آنها این بوده که دولت سوئیس نمی تواند اسامی آنها را از لیست حکم طالبان حذف نماید در حالی که هنوز اسامی آنها در لیست کمیته مجازاتها می باشد، پس در این خصوص خواهان باید از طریق دولت شهروند یا دولت مقیم اقدام به حذف اسم خود از لیست کمیته مجازاتها نماید و بعد

تعهدات بین المللی مقدم است و اصل بر برتری این تعهدات می باشد.^۳ دادگاه فدرال اذعان نمود که هرچند که تصمیمات شورای امنیت لازم الاجرا و الزام آور می باشد اما لازم است که خود شورای امنیت نیز مطابق با اهداف و اصول باشد.

۷. تحلیل رای یوسف مصطفی نادا با استناد به مواد منشور ملل متحد

در ابتدا اعتراضات اولیه دول در خصوص مطابقت شکایت با کنوانسیون پروتکلها ملحق به آن مطرح بودو دولت خواننده از دادگاه درخواست نمود تا درخواست خواهان را به دلیل عدم مطابقت آن درخواست با اصل صلاحیت شخصی کنوانسیون غیرقابل قبول اعلام نماید. قطعنامه های شورای امنیت براساس مواد ۲۵ و ۱۰۳ منشور ملل متحد به هر توافق بین المللی دیگر برتری دارد و از این جهت نمی توان به این قطعنامه ها ایراد وارد نمود و علیه آنها در دادگاهها طرح دعوی نمود. نمونه بارز در این خصوص در سطح بین المللی می توان به قضیه لاکربی استناد نمود که با استدلال اصل بر برتری ماده ۱۰۳ منشور دعوی بر علیه قطعنامه های شورای امنیت رد شده تلقی گردید. همچنان دولت خواننده اشاره نمود و این درخواست و طرح دعوی خارج از حیطه صلاحیتی دادگاه می باشد و این امر خود با برتری تعهدات ماده ۱۰۳ منشور در تضاد است و در این خصوص می توان گفت که از نظر صلاحیت ماهوی نیز غیر قابل قبول می باشد. اما خواهان

طالبان برابر با همکاری وی با گروه القاعده و اسامه بن لادن می باشد. و در اینخصوص آزادیهای فردی، حق بر مالکیت آزادی اقتصادی و حق بر استماع و دادرسی عادلانه وی مورد نقض واقع گردیده است و در نتیجه با نگاهی به مجازاتهای تعیین شده توسط شورای امنیت می توان گفت که این مجازاتها در تضاد با منشور ملل متحد بوده و مهم تر از آن در تضاد با قواعد آمره یعنی هنجارهای واجب الاجرا در حقوق بین الملل می باشد. و دولت سوئیس ملزم است تا از اجرای اینگونه قطعنامه ها که مخالف با روح منشور است ممانعت به عمل آورد.^۱

۶. مبنای طرح دعوی نقض حقوق بنیادین یوسف مصطفی نادا در شورای اروپا

رای دادگاه فدرال ۱۴ نوامبر ۲۰۰۷ دادگاه فدرال که شورای فدرال درخواست تجدید نظر خواهی را به این دادگاه ارجاع داده بود طی بررسیهای انجام شده درخواست مورد نظر را قابل قبول دانسته اما صلاحیت خود را در خصوص بررسی این درخواست رد نموده و اعلام نمود که رسیدگی این پرونده از حیطه ی صلاحیت این دادگاه خارج است.^۲ دادگاه فدرال اولین نکته ای که به آن اشاره نمود ماده ۲۳ منشور بود که بیان می دارد کشورهای عضو ملل متحد متعهد هستند که تصمیمات شورای امنیت را اجرا نمایند و مطابق ماده ۱۰۳ منشور این تعهدات منشور بر کلیه حقوق داخلی و دیگر

³ - CHAMBER, GRAND, CASE OF NAA V.SWITZE RLAND, (Application no 10593/08) p8- 12.

^۱ - احمدی نژاد مریم ، موانع استرداد و اخراج مجرمین در روبه دادگاه اروپایی حقوق بشر، مجله حقوق کیفری ، شماره ۱، ۱۳۹۱، ۳۲-۱.

²-Stefan Kirchner,Legal aid for intervenors in proceedings before the European Court of Human Rights, International Comparative Jurisprudence,2,2016,36-44.

شده و در غیر این صورت قادر به تامین این هدف نبوده و می تواند از اجرا کردن این قطعنامه ها و مقرر ها جلوگیری به عمل آید سازمان عدالت نیز با در نظر گرفتن اهمیت حقوق بنیادین بیان داشت که تنها صلح و امنیت بین المللی نیست که جز اصول منشور به شمار می آید بلکه حفظ حقوقی بنیادین و آزادیهای اساسی نیز دارای اهمیتی برابر با حفظ صلح و امنیت بین المللی است که لازم است به عنوان یکی از اصول مورد احترام در مقدمه منشور انعکاس داده شود.^۱

۸. پاسخ دادگاه اروپایی حقوق بشر در قبال مطابقت شکایت نادا با اصل صلاحیت شخصی

ارزیابی دادگاه اروپایی حقوق بشر در خصوص مطابقت شکایت خواهان با اصل صلاحیت شخصی اینگونه بود که در پرتو استدلالات خواهان و خوانده در خصوص صلاحیت شخصی دادگاه باید مشخص نماید که آیا صلاحیت ورود به شکایت خواهان را دارد یا خیر؟ در راستای این هدف دادگاه جهت احراز مطابقت صلاحیت شخصی با کنوانسیون به ماده ۱ کنوانسیون اشاره نمود و بررسی می نماید که آیا درخواست خواهان را می توان در حوزه ی این ماده جای داد و تعریف نمود و می توان گفت که آیا این درخواست همان تعهدی است که طرفین قرارداد بر عهده گرفته اند. مطابق ماده ۱ کنوانسیون طرفین قرارداد بایستی صلاحیتشان را در خصوص حقوق و آزادی هایی تعریف شده در ماده ۱ این کنوانسیون برای افراد فارغ از این که چه فردی باشد تضمین نمایند و

در مقابل این ادعا دولت خوانده استدلال نمود که این درخواست وی با صلاحیت شخصی کنوانسیون مطابقت دارد چون آنچه که در این خصوص موضوع طرح دعوی در دادگاه قرار می گیرد بحث اثر مستقیم تعهدات ناشی از قطعنامه های شورای امنیت نمی باشد بلکه طرح و اقامه دعوی است در خصوص محدودیتهای اعمال شده بر خواهان که توسط دولت خوانده صورت گرفته است و در این صورت دادگاه صلاحیت رسیدگی به این موضوع را خواهد داشت. خواهان همچنان استدلال نمود که مقامات سوئیسی محدودیتهای بیشتر از آن چیزی را که توسط قطعنامه های شورای امنیت صادر شده است بر وی تحمیل نموده است و وی در استناد به استدلال خود به رای دادگاه فدرال که در ۱۴ نوامبر ۲۰۰۷ صادر شده بود اشاره نمود. و عنوان نمود که دادگاه فدرال هم بر این نظر بود که دولت سوئیس اقدام به محدودیت هایی فراتر از قطعنامه های شورای امنیت نموده است. خواهان مدعی بود که شورای امنیت هم نمی تواند از هیچ عذر و بهانه ای جهت خودداری از مقررات کنوانسیون استفاده نماید و به بهانه اصل بر برتری تعهدات منشور و ماده ۱۰۳ اصول کنوانسیون را که شامل حقوق بنیادین و آزادیهای اساسی افراد در این رابطه است را نادیده بگیرد خواهان همچنان به این موضوع اشاره نمود که اگر هدف از اجرایی ساخت قطعنامه های شورای امنیت و مقرر هایی چون حکم مربوط به طالبان که در این راستا صادر می گردند حفظ صلح و امنیت بین المللی باشد این امر باید با در نظر گرفتن حقوق بنیادین مورد نظر گرفته

۱ - حجازی، سید امرالدین و صلح چی، محمد علی، شورای امنیت سازمان ملل متحد و تاثیر آن در ایجاد امنیت و عدالت کیفری بین المللی مجله حقوق کیفری، شماره ۳۳، ۱۳۹۹، ۴۶-۹.

کنوانسیون، دولت خوانده اظهار داشت که درخواست حاضر از نظر صلاحیت ماهوی با کنوانسیون مطابقت نداشته است و در این رابطه بر ماهیت الزام آور بودن قطعنامه های شورای امنیت که مطابق با فصل ۷ منشور صادر می گردد و بر هر توافق بین المللی تقدم دارد.

در سطح داخلی، دادگاه فدرال سوئیس (بالاترین دادگاه سوئیس) اذعان کرد که رویه حذف فهرست پیش بینی شده توسط رژیم تحریم های قطعنامه ۱۲۶۷ (۱۹۹۹) شورای امنیت سازمان ملل متحد مطابق با حق دادرسی عادلانه در ماده ۶ (۱) ECHR، که سوئیس عضو آن بوده نبوده است. با این حال، همچنین به تعهد سوئیس بر اساس ماده ۱۰۳ منشور برای ارجحیت اشاره کرد. بنابراین در این خصوص به تعهدات شورای امنیت سازمان ملل در صورت تعارض با سایر تعهدات تحت قوانین بین المللی اتکا گردید و از آنجایی که روند حذف فهرست جایی برای تفسیر باقی نگذاشته است، حق آقای نادا برای رسیدگی عادلانه در ماده ۶ (۱) ECHR لزوماً تعلیق شد و نیز بر اصل ۱۰۳ منشور تاکید نموده است. اظهار دادگاه اروپایی حقوق بشر در رابطه با عدم مطابقت صلاحیت ماهوی این تقاضا با کنوانسیون بدین صورت بود که این ادعا دولت خوانده را نه قبول نموده و نه آن را رد می نماید، بلکه آن را منوط به احراز شرایط و استحقاق رسیدگی می نماید دادگاه بعد از بررسی احراز شرایط و صلاحیت اظهار نموده است که اعتراض دولت خوانده را در این رابطه که این تقاضا با صلاحیت ماهوی کنوانسیون مطابقت ندارد رد نموده

طرفین قرارداد موظف به رعایت و اجرای حقوق و آزادیهای هستند که در این کنوانسیون آمده است.^۱ مطابق با تعریفی که از ماده ۱ کنوانسیون گردید طرفین قرارداد این تعهدات را در خصوص حقوق و آزادیهای اساسی قبول نموده و در خصوص هر گونه فعل یا ترک فعلی که از جانب آنها در خصوص نقض این حقوق و آزادیها صورت پذیرد مسئول هستند همان طور که مستحضرم در پرونده حاضر اقدامات تحمیل شده توسط قطعنامه های شورای امنیت در یک سطح ملی از طریق حکم شورای فدرال به اجرا درآمده است و درخواست خواهان در خصوص معافیت از ورود و خروج به قلمرو کشور سوئیس از جانب مقامات سوئیسی (ODM, IEM) رد گردیده است. این اقدامات صورت گرفته فوق اقدامات ملی را که در جهت اجرایی ساخت قطعنامه های شورای امنیت صورت پذیرفته است زیر سوال برده و در این خصوص نقض کنوانسیون صورت پذیرفته و این اعمال یعنی نقض کنوانسیون را به دولت سوئیس می توان نسبت داد و از آنجایی که دولت سوئیس مطابق با ماده ۱ کنوانسیون دارای اختیارات و صلاحیت قانونی در جهت تضمین حقوق و آزادیهای اساسی است در نتیجه دولت مسئول انجام اعمال ارتکاب یافته خود می باشند.

بنابراین با جمیع جهات دادگاه اروپایی حقوق بشر اظهار داشت که هرگونه اعتراض دولت خوانده را در این خصوص که تقاضا با صلاحیت شخصی کنوانسیون مطابقت ندارد رد نمود در خصوص مطابقت صلاحیت ماهوی از سوی دولت خوانده با

¹- Preamble of International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR) ۱۹۶۶, ICCPR: Art ۱.

خواهان حذف گردیده است و اجرای این محدودیتها متوقف شده است اما از لحاظ زمانی این امر به اوایل سپتامبر ۲۰۰۸ برمی گردد و در این صورت خواهان را از وضعیت قربانی بودن در رابطه با محدودیتهایی که برای قبل از این تاریخ و به مدت شش سال واقع گردیده است محروم نمی سازد و خواهان قربانی تلقی به حساب می آید دادگاه اروپایی حقوق بشر همچنان شکایت مطرح شده که بر مبنای ماده ۵ و ۸ و ۱۳ کنوانسیون از جانب خواهان مطرح گردیده بود و دولت خوانده در خصوص عدم مراجعه به مقامات صالحه این شکایت را مورد واقع قرار داده بود را رد نمود دادگاه اظهار داشت که براساس نقضی که در خصوص حقوق خواهان صورت پذیرفته است خواهان شکایت خود را طی مراحل مختلفی به مقامات صالحه جهت ایجاد و جبران خسارت داخلی مطرح نموده است اما مقامات صالحه به این درخواست وی اعتنایی ننموده اند و در این خصوص خواهان تمامی تلاش خود را جهت جبران خسارت به عمل آورده است.

۹. مبنای طرح شکایت یوسف مصطفی نادا در دادگاه اروپایی حقوق بشر

خواهان شکایت خود را بر این مبنا طرح می نماید که اقداماتی که وی را از خروج یا عبور از طریق دولت سوئیس منع نموده است نوعی نقض حق بر زندگی شخصی که شامل زندگی حرفه ای، کاری و زندگی خانوادگی وی می باشد محسوب می گردد وی مدعی است که این ممنوعیت وی را از دیدن

است و مقرر داشته است که دادگاه صالح به رسیدگی خواهد بود چرا که حقوق خواهان مطابق ماده ۸ کنوانسیون مورد نقض واقع گشته است آیا خواهان قربانی به حساب می آید؟ در اوایل دولت خوانده با اشاره به حذف نام خواهان از لیست کمیته مجازاتها را در ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۹ صورت گرفت و به دنبال آن اسم وی نیز از لیست افراد طالبان که در ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۹ حذف گردید که دولت خوانده خواهان را مستحق قربانی شدن نمیداند و اظهار می دارد که وی قربانی محسوب نمیگردد چرا که از ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۹ مجازات و محدودیتهای علیه وی متوقف گردیده است^۱ اما در مقابل خواهان مدعی است که وی قربانی نقض کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قرار گرفته است چرا که تلاش در جهت حذف نام خواهان از لیست مجازاتها از تاریخ ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۹ صورت گرفته است و این اقدامات محدودکننده از این زمان به بعد بوده است که در خصوص وی متوقف گردیده است و این امر وضعیت قربانی بودن خواهان را در خصوص نقض حقوق وی که قبل از این تاریخ می باشد را انکار نمی نماید از آنجا که خواهان به مدت ۲ سال از حقوق بنیادین محروم بوده است و در این صورت می توان گفت که خواهان قربانی تلقی می گردد دادگاه اروپایی حقوق بشر در ابتدای امر به تعریفی از قربانی شدن می پردازد. دادگاه اظهار داشت که مطابق ماده ۱۰ کنوانسیون، قربانی به اشخاصی اطلاق می گردد که به طور مستقیم حقوق وی مطابق با کنوانسیون از طریق فعل یا ترک فعل مورد نقض واقع گردد در این راستا اگرچه مجازاتهای تحمیل شده بر

NATIONS SECURITY COUNCIL SANCTIONS, Chinese Journal of International Law, 12, 2013, 1-19.

¹ Erika de Wet, FROM KADI TO NADA: JUDICIAL TECHNIQUES FAVORING HUMAN RIGHTS OVER UNITED

می توان حق بر پیشرفت شخصی و ایجاد روابط با دیگران در اطراف و خارج از محدوده ی زندگی تعریف نمود.^۱

علاوه بر آن ماده ۸ کنوانسیون از حق زندگی خانوادگی برای شخص نیز حمایت می کند. مطابق این مقررات دولت موظف است تا شرایط یک زندگی خانوادگی معمولی را برای هر شخصی که در قلمرو آن دولت می باشد مهیا نماید و این حق نیز قابل احترام می باشد و هر شخص این حق را داراست که از آرامش و امنیت برخوردار گردد.

دادگاه اظهار داشت که ماده ۸ در پرونده حاضر هم در خصوص زندگی شخصی و هم زندگی خانوادگی قابلیت استماع دارد و این حقوق بایستی رعایت گردد. و در نهایت شکایت خواهان از لحاظ قانونی مورد قبول و تایید می باشد^۲

در راستای حقوق خواهان اعمال محدودیتهایی که وی را از حق ورود و خروج و دیدار با پزشک معالجش منع نموده است بایستی بدون چون و چرا این محدودیتها برداشته شود و این شکایت مطابق ماده ۸ کنوانسیون قابل قبول است.

خواهان مدعی است که مطابق با ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق وی مورد نقض واقع شده است: خواهان شکایت خود را بر این مبنا که به موجب ماده ۱۳ از هیچ گونه جبران خسارت موثری

پزشکشان در ایتالیا و سوئیس و از دیدار با دوستان و خانواده اش منع می نماید. وی فراتر از این قضایا ادعا نمود که قرار گرفتن اسم وی در لیست افراد طالبان نوعی لطمه به حیثیت و آبروی وی محسوب می گردد و در حمایت از این شکایت به ماده ۸ کنوانسیون استناد نموده است، که بیان می دارد: هر شخصی در ارتباط با زندگی شخصی و خانوادگی دارای حقوقی است این حق و حقوق وی نباید مورد دخالت ولو توسط هرگونه مقامات قرار بگیرد جز در شرایطی که مطابق با قانون یا اینکه در یک جامعه دموکراتیک در جهت حفظ منافع آن جامعه و در جهت جلوگیری از وقوع جرم و بی نظمی و در جهت حمایت از حقوق و آزادیهای دیگر افراد جامعه میتواند اقداماتی مبنی بر نقض این حقوق انجام پذیرد.

از دیدگاه دادگاه اروپایی حقوق بشر ادعای خواهان مبنی بر نقض ماده ۸ کنوانسیون مورد قبول بوده و حق به خواهان می باشد. دادگاه اعلام نمود که استعمال ماده ۸ کنوانسیون در این پرونده بایستی مورد ارزیابی قرار گیرد. زندگی خصوصی یک اصطلاح بسیار وسیعی است که در این مورد نمی توان به یک تعریف جامع و کاملی رسید. قلمرو زندگی خصوصی را میتوان اینگونه تعریف نمود که زندگی خصوصی را سلامتی اعم از سلامتی فیزیکی و روانی تشکیل داده و یک فرد در صورتی از حق زندگی خصوصی برخوردار است که از این سلامتی بهره مند باشد. همچنان حق بر زندگی خصوصی را

^۲ - منصوری جوزانی، ارژنگ؛ بدیسار، سید ناصرالدین؛ بابایی، داریوش، جایگاه تکالیف در گذار از حقوق بشر به حقوق شهروندی، مجله علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۱۳۹۸، شماره ۴، ۳۰ تا ۴۹.

12-Erika de Wet, FROM KADI TO NADA: JUDICIAL TECHNIQUES FAVORING HUMAN RIGHTS OVER UNITED NATIONS SECURITY COUNCIL SANCTIONS, Chinese Journal of International Law, 12, 2013, 1-19.

هرگونه تعارض قواعد حقوقی موازین حقوقی اتحادیه اروپا، واکنش نهادهای قضایی آن منطقه مانند دیوان دادگستری اروپا را در پی داشته و از اجرای قواعد حقوقی مغایر با این موازی کاری خودداری می شود. زیرا اصل مهم حقوق اساسی یکی از عالی ترین اصول در موازین حقوق اروپا تلقی می شود و اهمیت آن به حدی است که این اصول توسط کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تضمین شده و در نتیجه هیچ نهادی در سطح منطقه ای و جهانی نمی تواند در قالب یک قطعنامه این اصول یا مصوبات و مقررات را نادیده بگیرد. در این راستا می توان به پرونده یوسف مصطفی نادا در سال ۲۰۱۲ علیه شورای اروپا و کمیسیون و جامعه اروپا اشاره کرد که برای دومین بار نشان داد که دیوان دادگستری اروپا در ارزیابی و انطباق قطعنامه های شورای امنیت ملل متحد با حقوق بین الملل و موازین حقوقی اتحادیه دارای صلاحیت می باشد. و دیوان دادگستری اروپا می تواند اقدامات اتحادیه اروپا در ابطال اختیارات قانونی و اجرایی قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل را نقض و بی اعتبار کند. در این خصوص دیوان دادگستری اروپا خاطرنشان کرده است که در جنگ علیه تروریسم، هیچ دادگاه بین المللی یا منطقه ای نباید تحریم ها و مجازات های ناشی از قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد را که مغایر و ناقض قوانین بین المللی و اساسی است، اعمال کند. برای تایید انسانی بودن تصمیمات دیوان دادگستری اروپا ثابت کرد که اختیارات شورای امنیت سازمان

که توسط این ماده پیش بینی شده است برخوردار نگشته است.^۱

مطابق ماده ۱۳ هر شخصی دارای حقوق و آزادیهایی است که در این کنوانسیون مقرر شده است که در صورت نقض این حقوق و آزادیها بایستی توسط مقامات ملی جبران خسارت موثر گردد علی رغم اینکه این نقض توسط خود مقامات ملی یا یکی از آنها ارتکاب یافته باشد.^۲

دادگاه در این خصوص با اشاره به ارتباط این ماده یعنی ماده ۱۳ کنوانسیون به صورت آشکارا با مواد ۳ و ۳۵ کنوانسیون اشاره می نماید که این ماده با مواد ۳ و ۳۵ کنوانسیون نمیتواند غیرمرتبط باشد و این شکایت از دیدگاه قابل قبول می باشد و هیچ گونه دلیلی مبنی بر اینکه شکایت را غیر قابل قبول بدانند وجود ندارد و اما ادعای خواهان در خصوص ماده ۹ و ۷ و ۸ که تحت عنوان مواد کنوانسیون از آنها میتوان نام برد قبول دادگاه اروپایی حقوقی بشر قرار نگرفته است و دادگاه تنها مواد ۸ و ۱۳ را که خواهان بر مبنای آنها طرح دعوی نموده است را قابل قبول می داند و در خصوص باقی مانده درخواستهای خواهان مبنی بر نقض حقوق وی، از طرف دادگاه غیر قابل قبول اعلام می گردد.^۳

نتیجه گیری

^۱ - قراچور لو، رزا، حق آزادی و امنیت شخصی و بررسی شرایط بازداشت موقت طبق ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: شرایط بازداشت موقت در قانون حقوق بشر اروپا، ۱۳۸۳، مجله وکالت، شماره ۲۱، ۹۲ تا ۱۰۴.

^۱ - رحیم خویی، الناز؛ رستم زاد، حسین؛ تحلیل و نقد عملکرد دیوان اروپایی حقوق بشر در برخورد با ادعاهای نقض ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مجله حقوقی بین المللی، ۱۳۹۶، شماره ۵۶، ز ۲۶۳ تا ۲۸۹.

^۲ - قراچور لو، رزا، حق آزادی و امنیت شخصی و بررسی شرایط بازداشت موقت طبق ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مجله کانون، ۱۳۸۳، شماره ۱۳۸۴، ۱۳۹ تا ۱۴۸.

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول
آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای
ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

- ۱- احمدی نژاد مریم ، موانع استرداد و اخراج مجرمین در رویه دادگاه
اروپایی حقوق بشر، مجله حقوق کیفری ، شماره ۱، ۱۳۹۱، ۳۲-۱.
- ۲- حجازی، سید امیرالدین و صلح چی، محمد علی، شورای امنیت
سازمان ملل متحد و تاثیر آن در ایجاد امنیت و عدالت کیفری
بین‌المللی مجله حقوق کیفری ، شماره ۳۳، ۱۳۹۹، ۴۶-۹.
- ۳- رحیم خویی، الناز ؛ رستم زاد، حسین ؛تحلیل و نقد عملکرد دیوان
اروپایی حقوق بشر در برخورد با ادعاهای نقض ماده ۸ کنوانسیون
اروپایی حقوق بشر، مجله حقوقی بین المللی ، ۱۳۹۶، شماره ۵۶،
۲۶۳ تا ۲۸۹.
- ۴- فرخ سیری ، منصور ، محدودیت های حقوقی شورای امنیت در
اعمال تحریم های اقتصادی، منبع: حقوقی بین المللی ، شماره ۳۹،
۱۳۸۷، ۵۸-۲۹.
- ۵- قراچور لو، رزا ، حق آزادی و امنیت شخصی و بررسی شرایط
بازداشت موقت طبق ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مجله
کانون ، ۱۳۸۳، شماره ۱۳۸۴، ۱۳۹ تا ۱۴۸.
- ۶- قراچور لو، رزا ؛حق آزادی و امنیت شخصی و بررسی شرایط
بازداشت موقت طبق ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: شرایط
بازداشت موقت در قانون حقوق بشر اروپا، ۱۳۸۳، مجله وکالت ،
شماره ۲۱، ۹۲ تا ۱۰۴.
- ۷- کمالی نژاد، حسن ، رای دیوان دادگستری اتحادیه اروپا مبنی بر رد
درخواست تجدید نظر کمیسیون اتحادیه در قضیه کادی، تازه های

ملل نامحدود نیست. روند قضایی این پرونده نقش مهم دیوان
دادگستری اروپا را در ترسیم و تبیین اختیارات محدود شورای
امنیت سازمان ملل متحد در حفظ صلح و امنیت بین المللی
نشان داده است. شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان
یکی از زیرمجموعه های حقوق بین الملل ملزم به رعایت
قواعد و مقررات بین المللی است و حقوق بین الملل مبنای
هنجاری منشور محسوب می شود. بنابراین شورای امنیت در
اجرای وظایف خود در چارچوب فصل هفتم منشور با
محدودیت هایی از جمله اعمال تحریم های اقتصادی و مالی
مواجه است و محدودیت های قانونی شورای امنیت در اعمال
تحریم های اقتصادی و مالی شامل بین المللی عمومی می
شود. قانون، قواعد اجباری، مقررات خاص منشور، قواعد حقوق
بشر و بشردوستانه. علاوه بر این، شورای امنیت موظف است
قوانین اجباری و قواعد اساسی حقوق بشر مانند حق حیات،
حق مالکیت و جلوگیری از گرسنگی را در چهارچوب تحریم
های اقتصادی و مالی رعایت کند. این قواعد جایگاه بالاتری
نسبت به مفاد منشور دارد و حتی ماده ۱۰۳ منشور نیز نمی
تواند برتری آنها را نادیده گرفته و خدشه ای بر آنها وارد سازد.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در
اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله عزیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه
نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و
علمی سپاسگزاری می‌شود.

ملل متحده، در هفته نامه انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل

متحد، سال اول، ۱۳۹۲.

۸- منصوری جوزانی، ارژنگ؛ بدیسار، سید ناصرالدین؛ بابایی،

داریوش، جایگاه تکالیف در گذار از حقوق بشر به حقوق

شهروندی، مجله علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۱۳۹۸، شماره ۴،

۳۰ تا ۴۹.

۹- موسوی، سید فضل الله، نظارت قضایی محاکم بین المللی بر

شورای امنیت سازمان ملل متحد، مجله حقوقی بین المللی، شماره

۵۴، ۱۳۹۵. صفحه ۹۰-۵۹.

۱۰- موسوی، سید فضل الله، چهل تنی، سید مهدی، موسوی سید

مهدی، بررسی و تحلیل رأی قضیه کادی علیه شورای اتحادیه

اروپایی ۱۳۹۱

۱۱- مومنی راد، احمد، زینالی، حامد، بررسی و تحلیل حقوقی قضیه

کادی و موسسه بین المللی البرکات علیه اتحادیه اروپا، ۱۴۰۱

منابع لاتین

- 1- The Kadi Case – Constitutional Core Values and International Law – Finding the Balance?, The European Journal of International Law Vol. 23 no. 4/EJIL (2012), Vol. 23 No. 4, The Author, 2012. Published by Oxford University Press on behalf of EJIL Ltd.p.1015-1024.
- 2- CHAMBER, GRAND, Case of NADA V.S WITZERLAND (Application no. 105, 3/08), p3-8
- 3- Erika de Wet, FROM KADI TO NADA: JUDICIAL TECHNIQUES FAVORING HUMAN RIGHTS OVER UNITED NATIONS SECURITY COUNCIL SANCTIONS, Chinese Journal of International Law,12,2013, 1-19.
- 4- 1Stefan Kirchner,Legal aid for intervenors in proceedings before the European Court of Human Rights, International Comparative Jurisprudence,2,2016,36-44.
- 5- Preamble of International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR)\۱۹۶۶, ICCPR:Art\۱.
- 6- CHAMBER, GRAND, CASE OF NAA V.SWITZE RLAND, (Application no 10593/08) p8- 12.